

# تاریخچه سانسور در ایران

عنایت الله رحمانی \*

طی چند سالی که در چهارچوب فعالیت های شغلی در جریان کار نشریات قدیمی ایران قرار گرفته و با توفیق الهی موفق به گردآوری بیش از چهل عنوان از نخستین روزنامه های عصر قارچار شده ام، بارها با مسئله توقیف نشریات به دلیل درج برخی مطالب، و یا نظارت بر آن ها و مداخله در مطالبشان پیش از انتشار از طریق حذف و جرح و تعدیل برخورد کرده ام. این امر را بر آن داشت تا «سانسور» در ایران را مورد تأمل قراردهم و به تبیین آغاز اعمال آن براساس خود روزنامه ها بپردازم.

## سانسور

در تعریف «سانسور» که واژه ای فرانسوی است، نظریات متعددی وجود دارد که به چهار مورد آن اشاره می شود:

\* پژوهشگر و صاحب نظر در تاریخ جراید و مطبوعات ایران



«سانسور، تحدید بیانی است که تهدیدی بر آیین دینی و اجتماعی پذیرفته شده در زمانه تلقی می‌شود و نگاهی از بیرون به این پدیده است»<sup>۲</sup>.

لغت‌نامه دهخدا سانسور را «ممیزی و تفتیش مطبوعات و مکاتیب و نمایش‌ها» می‌داند. دایره المعارف مصاحب در تعریف سانسور نوشته است تفتیش پیش از انتشار کتاب‌ها، جراید، نمایشنامه‌ها و امثال آن‌ها، و نیز تفتیش نامه‌های خصوصی و جز آن‌ها قبل از رسیدن آن‌ها به مقصد، یا تفتیش نطق و بیان قبل از ایراد آن‌ها، به منظور حصول اطمینان از این که مندرجات آن‌ها مضر به اخلاق عمومی یا منافع دولت یا دستگاه حاکمه نیست. سانسور ممکن است به وسیله مقامات دولتی یا دینی و گاه به وسیله دستة مقتدر و متنفذی اعمال شود.

دائرة المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی (جلد دوم) نیز سانسور را چنین تعریف می‌کند:

«سانسور به معنای تلاش حکومت، سازمان‌های خصوصی، فرد یا گروه است برای جلوگیری از خواندن، دیدن و شنیدن آن چه که تصور می‌رود برای حکومت یا اخلاق عمومی خطرناک و زیانبار باشد».

درباره تاریخچه روزنامه‌نگاری و سانسور، مطالب بسیار و گاه مکرری نوشته و منتشر شده است که به آن نمی‌پردازم. در اینجا فقط به ذکر این نکته بسنده می‌کنم که عمر روزنامه‌نگاری در کشور ما به دو سده نمی‌رسد و اگر نخستین روزنامه فارسی زبان ایران را که با عنوان «کاغذ اخبار» از آن یاد شده است، طلیعة روزنامه‌نگاری در مملکتمان بدانیم، ۱۷۱ سال می‌شود.

درباره سانسور در روزنامه‌نگاری باید گفت که ناصرالدین شاه نظارت‌های خود را به احتمال قوی از ابتدای سلطنت آغاز کرد و سانسور در دوره وی شدت یافت. از آن جایی که این امر با انتشار «روزنامه وقایع اتفاقیه» صورت گرفت. به تاریخچه روزناه وقایع اتفاقیه مختصراً اشاره می‌شود. این روزنامه را می‌توان اولین روزنامه مرتب فارسی ایران نامید.



## تاریخچه روزنامه وقایع اتفاقیه

انتشار سومین روزنامه ایران که دومین روزنامه فارسی زبان این کشور است، به دستور میرزا تقی خان امیرکبیر صدراعظم ترقی خواه ایران، در سومین سال پادشاهی ناصرالدین شاه آغاز شد و نشر آن به طور هفتگی با نام روزنامه وقایع اتفاقیه ده سال به طول انجامید. در واقع، این روزنامه، پیشتر یک رشته روزنامه‌های دولتی است که انتشارشان با تغییر نام‌های مکرر تا پس از جنگ اول جهانی ادامه یافت.

«شماره یکم روزنامه وقایع اتفاقیه در نیم روز آدینه پنجم ربیع‌الثانی ۱۲۶۷ (برابر با ۷ فوریه ۱۸۵۱ و ۱۸ بهمن ۱۲۲۹) منتشر شد و آن شماره را نامی نبود؛ از آن جا که خبرهای روزنامه با اخبار پایتخت آغاز شده بود، غالب منابع جز اقبال آشتیانی، نام آن را همین عنوان، یعنی «روزنامه دارالخلافة طهران» انگاشته‌اند و برخی دیگر، با توجه به شعار «یا اسدالله الغالب» که در سرلوحه آن به چاپ رسیده بود، آن را با نام «یا اسدالله الغالب» معرفی کرده‌اند.»

این روزنامه را از شماره دوم روزنامه وقایع اتفاقیه نامیدند. این نام، به اعتقاد محیط طباطبایی از روزنامه رسمی تقویم وقایع چاپ اسلامبول و وقایع مصریه چاپ قاهره اقتباس شده است. واژه «روزنامه» جزئی از این نام است ولی اکثر منابع به نادرست با عنوان وقایع اتفاقیه از آن نام برده‌اند.

روزنامه وقایع اتفاقیه تا شماره ۴۷۰ با همین عنوان انتشار یافت و شماره ۴۷۱، روزنامه وقایع نام گرفت. از شماره بعد به کلی تغییر نام داد و موسوم به روزنامه دولت علیه ایران شد. اما با این عنوان تازه نیز ترتیب شماره‌گذاری روزنامه وقایع اتفاقیه ادامه پیدا کرد.

قبل از فرمان سانسور با توجه به شواهد و قراین در روزنامه وقایع اتفاقیه ممیزی روزنامه توسط شخص ناصرالدین شاه انجام می‌گرفت. هنگامی که امیرکبیر از صدراعظمی برکنار می‌شود، اطلاعیه دارالخلافة تهران در شماره ۴۲ روز پنجشنبه



بیست و ششم ماه محرم الحرام سال ۱۳۶۸ به شرح زیر منتشر می‌شود:

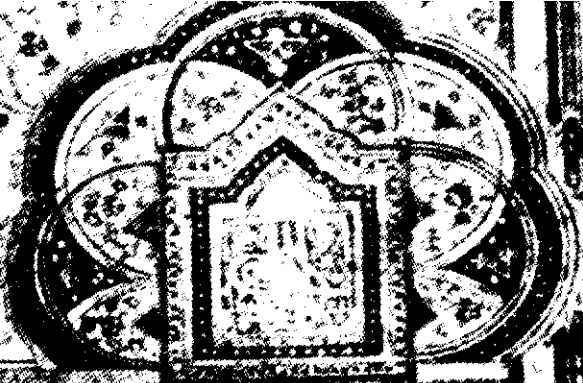
### دارالخلافه طهران

« سرکار اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی باقتضای رای جهان آرای ملوکانه صلاح و صرفه ملک و دولت و خیر و صواب امور سلطنت را در این معنی ملاحظه فرمودند که میرزا تقی خان را از پیشکاری دربار همایون و مداخله در امور داخله و خارجه و منصب امارت نظام و لقب اتابکی و غیر ذلک و کل اشغال و مناصبی که باو محول بود بکلی خلع و معزول فرمایند لهذا در روز چهارشنبه بیست و پنجم این ماه حکم از مصدر سلطنت عظمی بهمین صراحت شرف صدور و نفاذ یافت و او برحسب امر قدر قدرت همایون از تمامی امور و مشاغل معزول و مسلوب الاختیار گردید و چون مراتب لیاقت و شایستگی جناب جلالت مآب کفالت و کفایت احتساب مقرب الخاقان اعتمادالدوله العلیه العالیه که در اصالت و نجابت و با سبکی از اکفا ممتاز و اباعن جد از جمله معتبرین و معتمدین حضرت و دولتخواهان دولت جاوید آیت‌اند. بر جوع این مهم خطیر در پیشگاه نظر انور اقدس همایون ظاهر و لایح آمد لهذا جناب معزالیه را از سلک تمامی چاکران دربار همایون انتخاب فرموده به تفویض منصب جلیل و شغل نبیل صدارت عظمی مخصوص به اکسای یک ثوب جبه شمسۀ مرصع مکلل به الماس و یاقوت آبی از جامه خانۀ خاص از ملبوس تن مبارک مقلع فرمودند که به اصابت رای و حسن تدبیر و بذل وجهه موفور را به امور جمهور خلایق و ارسی نمایند و حسب المقرر بر مسند صدارت عظمی متمکن گردیده بلوازم منصب جلیل قیام و اقدام نمودند.»

و هنگامی که قصد جان امیر را داشتند، در شماره ۵۰ پنجشنبه یوم هفتم سیم ماه ربیع‌الاول سنه ۱۲۶۸ این مطلب بیان می‌شود:

« کسانی که با میرزاتقی خان حساب و معامله داشتند بجهه تفریغ حساب خودشان به اجاره و نوشته مرخصی اولیای دولت علیه روانه فین شده بودند از قراری که آن آدمها مذکور داشتند و خود میرزاتقی خان هم





بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

وآلهم الصالحين  
اللهم صل على محمد  
وآله الطيبين الطاهرين  
الذين هم الصالحين  
الطاهرين

اللهم صل على محمد  
وآله الطيبين الطاهرين  
الذين هم الصالحين  
الطاهرين

اللهم صل على محمد  
وآله الطيبين الطاهرين  
الذين هم الصالحين  
الطاهرين

اللهم صل على محمد  
وآله الطيبين الطاهرين  
الذين هم الصالحين  
الطاهرين

اللهم صل على محمد  
وآله الطيبين الطاهرين  
الذين هم الصالحين  
الطاهرين

اللهم صل على محمد  
وآله الطيبين الطاهرين  
الذين هم الصالحين  
الطاهرين

اللهم صل على محمد  
وآله الطيبين الطاهرين  
الذين هم الصالحين  
الطاهرين



کاغذ بخت خودش نوشته بود این روزها بشدت ناخوش است غلامی از غلامان عالیجاه جلیل‌خان یوزباشی هم که شب یکشنبه نوزدهم این ماه از فین وارد دارالخلافه شد مذکور داشت که احوال خوشی ندارد صورت و پایش تا زانو ورم کرده است موافق این اخبار چنان معلوم می‌شود که خیلی ناخوش باشد و می‌گویند از زیادی جین و احتیاطی که دارد قبول مداوا هم نمی‌کند و هیچ طبیبی را بر خود راه نمی‌دهد.»

و هنگامی که قتل امیر انجام می‌گیرد، فقط خبر زیر در روزنامه وقایع اتفاقیه به تاریخ روز پنجشنبه هفتم ماه ربیع الثانی سال ۱۲۶۸ درج می‌شود:

«میرزا تقی خان که سابقاً امیر نظام و شخص اول این دولت بود در شب شنبه هیجدهم ماه ربیع اول در کاشان وفات یافته است»

از آن جا که چاپ کتاب و روزنامه در ایران دولتی بود، می‌توان گفت که از همان ابتدا انواع ممیزی و خود ممیزی رواج پیدا کرد و ناصرالدین شاه اولین فرمان سانسور مطبوعات در ایران را به شرح زیر صادر کرد:

#### «العزة لله - سلطان ناصرالدین شاه قاجار»

روزنامجات دولت علیه که در دارالخلافه بطبع می‌رسد مغایر سلیقه ما و خالی از نتایج و فوایدی بود که در هر مملکت از روزنامه حاصل است. محمدحسین خان پیشخدمت و مترجم مخصوص را که از وضع روزنامجات خارجه و ترتیب اخبار و کیفیت انتشار آن اطلاعات کامل داشت باین خدمت مامور فرمودیم که مطابق تعهدات خود از ابتدای سنه قوی نیل شروع بانتظام عمل دارالطباعة کرده به قسمی کلمه مقصود خاطر ماست در ترتیب و تنظیم روزنامجات اهتمامات حسنه مرعی دارد. (شهر ذیحجه الحرام ۱۲۸۷).

چند سال بعد، به سال ۱۲۹۶ ق. کنت دو مونت فرته رئیس ایتالیایی نظمیه (پلیس)، کتابچه معروف خود موسوم به «قانون» را نوشت و به شاه تقدیم کرد. شاه نیز با علاقه بسیار، مقرراتی را که کنت دو مونت فرته با هدف قانونی کردن اختناق و



سرکوب تدوین کرده بود پذیرفت و بر آن صحنه گذاشت. در این قانون آمده است:

«... کسی که کتابی انتشار دهد که بر ضد مذهب یا دولت و ملت بوده باشد از پنج ماه الی پنج سال حبس خواهد شد... کسی که جسارت نموده در ضد پادشاه اعلانات و نوشتجات در کوچه‌ها بچسباند، هر کس بوده باشد و هم چنین کسی که مخالف مردم حرکتی کرده و اذیت برساند، بر حسب تقصیر او، از یک ماه الی پنج سال حبس خواهد شد... کسی که کنکاش و خیالات تحریک بد در حق دولت بکند و یا افترا و تهمت تحریراً و تقریراً به دولت بزند بعد از ثبوت تقصیر او، بر حسب حدود تقصیرات از یک سال الی پانزده سال محبوس خواهد شد...»

در رساله‌های اصلاح‌طلبان این دوره که اکثرشان به صورت خطی برجای مانده، از آزادی مطبوعات یاد شده است. در زمان نوشتن این رساله‌ها که نمونه‌شان در زیر می‌آید. هنوز سانسور رسمی برپا نشده بود.

در یک رساله خطی که تاریخ ۱۲۹۴ ق. را دارد، نویسنده به دولت انتقاد نمی‌کند، ولی آزادی مطبوعات را از نوع آزادی‌های سیاسی می‌داند: «یعنی آزادی گزرت‌ها، روزنامه‌ها و طبع‌خانه‌ها، که مردم آزادند هر چه که مطلع شوند از حبس و قبح کارهای دولت، یا چیزی به خاطرشان برسد از مطالبی که موجب صرفه و صلاح دولت یا ملت باشند از این قبیل آن چه خواسته باشند آزادند که بنویسند و طبع کنند».

نویسنده با اشاره به آزادی مطبوعات در اروپا می‌افزاید: «لیکن چون این دو فقره آزادی به کار دولت ایران نمی‌آید همین قدر که اسمی از آن‌ها برده شد کفایت می‌کند. تشریح آن‌ها را لازم نمی‌داند». اما یکی از شاهزادگان روشنفکر قاجار، حدود یک سال قبل از انتشار این مطلب، اثری به رشته تحریر درآورده بود که در آن بر این مطلب پای می‌فشرد:

«پس، در امور سیاسی و ترقی دولت و ملت، آزادی خیالات عموم مردم مطلبی است عمده». لازم است که بدین منظور، تحصیلکردگان به تأسیس روزنامه بپردازند تا «درس عبرت بشود و چشم کور بینا گردد».



برخی منابع نشان می‌دهد که صدر اعظم ایران، میرزا حسین خان سپهسالار، در سال‌های ۱۲۸۸ و ۱۲۸۹ ق. مایل بوده است ضمن کوشش برای شناساندن حقوق آزادی، آزادی مطبوعات را نیز بقبولاند. به اعتقاد فریدون آدمیت «حق آزادی مطبوعات تا درجه‌ای شناخته شد». وی در تحلیل محتوای روزنامه‌های این دوره، نمونه‌هایی از آزادی بیان و اندیشه را نشان داده است. ولی این نمونه‌ها تنها پاره‌ای از روزنامه‌ها را و آن هم در بخش کوچکی از دوره مورد نظر ما در برمی‌گیرد و آن دوره، دوره اقتدار میرزا حسین خان مشیرالدوله (سپهسالار) است.

خودمیزی و نظارت مستقیم شاه بر مطبوعات، دلیلی برای ایجاد سانسور داخلی باقی نمی‌گذاشت؛ اما در برابر برخی کتاب‌های فارسی چاپ داخل و نوشته‌های فارسی، اعم از کتاب و روزنامه و رساله که در خارج به چاپ می‌رسید، هیئت حاکمه ایران ناگزیر شد برای حفظ منافع خود در ربیع‌الثانی ۱۳۰۲ «اداره سانسور» را زیر نظر وزیر انطباعات برپا دارد. این فکر وقتی قوت گرفت که کتابی چاپ بمبئی را به حضور شاه بردند و ناصرالدین شاه از پرده‌داری‌ها و مطالب ضداخلاقی آن کتاب سخت برآشفته. وزیر انطباعات، صنیع‌الدوله (اعتمادالسلطنه)، که حضور داشت معروض نمود:

«در دولتهای اروپیه سد راه این عیب را از ممالک خویش، دایره تفتیش کرده‌اند و اسم آن سانسور است. و چون شرطی از شرایط و شئون آن براندم، بر خاطر مبارک بسی پسندیده آمد و فرمان رفت تا هم در تحت نظر این خانه‌زاد در حدود ایران سانسور ایجاد شود و از آن وقت باز راه این عیب بسته شد و رشته این تجارت گسسته».

عریضه‌ای را که اعتمادالسلطنه در تشریح نظر خود تقدیم شاه کرده، به سبب اهمیت محتوایش در این جا نقل می‌کنم:

«بعضی کتب تازه منطبعة هندوستان علی‌الخصوص بمبئی را چندی است به طهران می‌آورند. از قبیل میزان الحق در رد مذهب اسلام و رساله موسوم به هاشمیه در هجای یکی از علمای معتبر بلکه یک طایفه از علمای ایران که حاجی شیخ هاشم و حاجی شیخ ابوتراب امام جمعه شیراز باشند





و همچنین بعضی روزنامه‌ها از عثمانی و آلمان و فرانسه به طهران می‌آورند که سرایا بدنویسی از رجال دولت علیه ایران است و بعضی کتابچه‌ها که تألیفات مسافران یاوه‌گو است از قبیل مادام میرانو و دیالافوا و جمع دیگر.»

ممانعت طبع از کتابچه‌ها و روزنامه‌ها اشکال دارد و بلکه محال است و انتشار این

قبیل صحایف و اوراق خبر ضرر برای دولت چه فایده خواهد داشت؟

حال، چه عیب دارد رسمی که در میان دول معظمه موسوم است در ایران معمول شود. جز در فرانسه که جمهوری است و انگلیس که آزاد است و بلژیک و سوئیس که مسکن و مأمن طاغیان تمام ملل فرنگ است، در آلمان و اتریش و روس و عثمانی و اسپانیول و پرتقال و غیره هم رسم (سانسور) معمول است.

اما سانسور عبارت از اداره‌ای است که وزارت پستخانه تمام اوراق مطبوعه را، نه مکتوبه، جز آن‌هایی که در جوف پاکت و مهور است باید به مجرد ورود به این اداره فرستد. اشخاصی که در این اداره هستند دانای به السنهٔ مختلفه می‌باشند. «آنان» این صحایف را ملاحظه نموده آن چه روزنامه‌هاست فی‌الغور هر چه عیب است «کذا» بسته اعاده به وزارت پست بدهد که تقسیم شود. منتها یک روز زیادتر این امعان نظر طول نخواهد کشید.

آن چه کتب است بعد از چهار روز به ادارهٔ پست خواهند فرستاد و تعیین یک یا دو روز تعویق اسباب حرف و بی‌اعتباری وزارت پست نخواهد شد. بلکه هیچ لازم نیست این مسئله پنهان باشد. رسمی که آشکارا در تمام دول معظمه است ما چرا باید پنهان کنیم. اما بعضی کتب است که به واسطهٔ کاروان و تجارت داخل می‌شود. به خصوص کتب فارسیه که بیشتر از راه هندوستان از بنادر فارس داخل می‌شود. وزارت گمرکخانه به مأمورین گمرک بنادر قدغن خواهد کرد هر بار کتابی که می‌رسد حرکت آن بار را موقتاً توقیف کنند.

از هر نسخه یک دانه به تهران به ادارهٔ سانسور بفرستند. هریک که بی‌عیب بوده مهر شده به مدیر گمرکخانه سرحدیه فرستاده خواهد شد. هریک مطالبی دارد منافی دین و دولت معلوم کرده و به سرحد خواهند فرستاد که مدیر گمرک عیناً



به صاحب مال‌التجاره رد نماید که از هر کجا آورده است معاودت دهد بدون این که آن‌ها را ضبط نماید.

باید یادآور شوم که پیش از این چاره‌اندیشی‌ها، کار سانسور روزنامه‌های فارسی چاپ خارج آغاز شده بود و به صورت جلوگیری از ورود روزنامه‌های مخالف بود. نامه‌ها و بسته‌های پستی را می‌گشودند تا آن روزنامه‌ها را بیابند و نابود سازند. در فصل‌های آینده از وحشت گسترده‌ی دربار و دولت ایران از روزنامه‌های فارسی چاپ خارج، به ویژه «قانون» لندن و «اختر» به این فرمان ناصرالدین شاه توجه فرمایید که در کتاب «تاریخ سانسور مطبوعات در ایران» آمده است:

### «جناب امین‌السلطان»

ان شاء... احوال شما خوب است چه می‌کنید؟ باران که نمی‌گذارد شخص نفسی بکشد. کی از منزل بیرون آمده به حضور می‌رسید؟ تازه (ای) باشد به عرض برسانید. این روزنامه اختر باز فضولی‌های زیادی می‌کند. نسخه آن را دیدم حال می‌دهم بیاورند. ارتیکل‌های بدی نوشته است. ملاحظه بکنید این روزنامه این باید جداً قدغن سخت بشود که پستخانه قبول نکرده و بیاورند به ایران. حتی به چاپ‌های انگلیس و روس و فرانسه هم قدغن بکنید که من بعد روزنامه اختر بیاورند به ایران. به امین‌الدوله دستخط نوشتم. شما هم تأکید کنید که از این تاریخ دیگر روزنامه بیاورده منتشر نکنند. به سفر هم خودتان قدغن بکنید که چاپ‌های آنها روزنامه اختر را قبول نکرده بیاورند البته.»

دوره ناصرالدین شاه را در همین جا با فرمان سانسور که با ممیزی غیر رسمی آغاز شد به پایان می‌بریم و تنها اشاره می‌کنیم که پس از آن بود که سانسور پیش از انتشار شکل گرفت و از سانسور وارد ادبیات فارسی شد و سازمانی با نام وزارت انطباعات برای ممیزی تمام مطبوعات و کتاب‌ها و نیز نظارت بر ورود آن‌ها از خارج کشور تأسیس گردید.



## دوره مظفرالدین شاه (۱۳۱۳-۱۳۲۵ ق.)

در این دوره که به اختصار به آن می‌پردازیم، سانسور با نشیب و فرازهای بسیاری همراه بود. طی دوره نخست‌وزیری میرزا علی خان امین‌الدوله، نشر روزنامه‌های غیردولتی آغاز و ضوابط و قوانین تنبیهی وزارت انطباعات به ندرت اعمال شد. امین‌الدوله شخصاً «به روزنامه تربیت» توجه خاصی داشت و آن را ترویج می‌کرد.

این وضعیت در دوره علی اصغر خان امین‌السلطان ملقب به اتابک اعظم (۱۳۱۶-۱۳۲۱ ق.) دگرگون شد. او از نفوذ جراید فارسی بیمناک بود. محدودیت‌های شدیدی درباره نشر اخبار در مطبوعات ملی اعمال، و با دستور صریحی ورود هر گونه نشریه فارسی را به خاک ایران ممنوع کرد. این اعلان رسمی که در شماره ۹۹۰ روزنامه رسمی ایران در دهم ذی‌القعدة ۱۳۱۸ به چاپ رسید، ذیلاً نقل می‌شود:

### دربار همایون روز شنبه بیست و هشتم شوال مکرم

بر هیچ کس پوشیده نیست که از مبادی جلوس میمنت مانوس همایون شاهنشاهی خدا... تعالی سلطانه تا بحال نظر بکمال میل و توجهی که خاطر خطیر همایون سلطنت را بجلب انواع وسائل و اسباب ترقیات مادی و معنوی این دولت و مملکت بوده و ترویج و توسیع دایره روزنامجات و آزادی اقلام و افکار روزنامه‌نگاران را تا یک درجه از وسایل حصول این مقاصد مقدسه دانسته‌اند. غایت مساعدت و انواع مرحمت و اعانت را تا حال درباره جراید فارسی زبان راجع بایران مبذول فرموده‌اند ولی از آنجا که در تمام ممالک متمدنه عالم معمول این است که روزنامه مربوط بوقایع و حالات داخله هر مملکت خصوصاً راجع به مسائل سیاسی و مطالب رسمیه هر دولت آنست که در داخله آن مملکت بطبع و انتشار می‌رسد و شبهه نیست که روزنامه که خارج از مملکتی و دور از مرکز دولتی نگارش یابد، روزنامه آن مملکت خوانده نمی‌شود؛ چرا که مرآت حقایق احوال و اعمال آن دولت نیست و بجهت و علل عدیده بری از شوایب



کذب و خلاف و اشتباه نتواند بود، بناء علی ذلک نشر این گونه روزنامه در داخله مملکت و حوزه یک دولت بجای انتاج سود و فایده متضمن انواع مفاسد و مضرت است و روزنامجات فارسی زبانی که امروز راجع به احوال مملکت و دولت ایران در ممالک خارجه بطبع می‌رسد، تقریباً همه همین حالت را هم رسانیده و بهیچوجه فایده‌ای که منظور دولت است از آنها حاصل نمی‌شود چه غالب مطالب و مندرجات آنها از روی اشتباه یا مبنی بر سوء اغراض بعضی وقایع‌نگاران است. لهذا بحکم دولت همه آن جراید غدغن و ممنوع از ورود بداخله ایران گردید و چون در آینده هم بهمین علت دوری از مملکت و دایره دولت ممکن نیست رفع این مفاسد و عیوب از آنها بشود بعد از این نیز ابدأ اجازه ورود و دخول بایران را نخواهد یافت. اما اگر روزنامه‌نگاران فارسی زبان بداخله ایران بیابند به ترتیباتی که در تمام دول سایره مرعی و معمول است با آنها اجازه طبع روزنامه در ایران داده خواهد شد.

در دورهٔ صدارت عین‌الدوله وزارت انطباعات به عهدهٔ ندیم‌السلطان گذارده شد. عین‌الدوله در ابتدای صد ارتش توجه چندانی به مطبوعات نداشت. ندیم‌السلطان نیز که فردی سلیم‌النفس و آزادیخواه بود، تنگنای زیادی را برای ارباب جراید فراهم نمی‌آورد. در ایام سفر مظفرالدین شاه و عین‌الدوله به فرنگ روزنامه‌ها هر چه خواستند نوشتند.

پس از برگشت مظفرالدین شاه ندیم‌السلطان معزول شد و به دستور عین‌الدوله سختگیری نسبت به مدیران مطبوعات آغاز شد و بعضی از آنان دستگیر و تبعید شدند.

برخلاف تمام این سختگیری‌ها، آهسته آهسته نشریات رونق یافتند و به ویژه از شبنامه‌ها برای آگاه‌سازی عامهٔ مردم استفاده شد. این انتشارات، نقش مهمی در ایجاد انقلاب مشروطیت در سال‌های ۱۳۲۳-۱۳۲۴ ق. / ۱۹۰۵-۱۹۰۶ م. ایفا کردند. تدوین نخستین قانون مشروطه که در آن بر آزادی‌های اساسی تأکید شده بود، مایهٔ حرکت و آزادی بیشتری شد. اما حتی پیش از امضای مشروطیت توسط



مظفرالدین شاه، برای تدوین کنندگان قانون اساسی روشن و مسلم بود که بسیاری از عبارات آن مبهم است و نیاز به تبیین دارد. از این رو طی چند ماه، متمم قانون اساسی تدوین شد و در ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ ق. از تصویب نمایندگان گذشت و به امضای محمدعلی شاه رسید. ماده ۲ این متمم، مفهوم آزادی مطبوعات را چنین توضیح می‌دهد: «عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره به دین مبین اسلام آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است ولی هرگاه چیزی مخالف قانون مطبوعات، در آنها مشاهده شود نشردهنده یا نویسنده برطبق قانون مطبوعات مجازات می‌شود. اگر نویسنده معروف و مقیم ایران باشد ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند».

فاصله بین امضای قانون مشروطه و تصویب نخستین قانون مطبوعات در محرم ۱۳۲۶ ق. دوره بسیار پرشوری در تاریخ مطبوعات و نشر کتاب کشور است. در این دوره، پس از چند دهه اختناق شدید، مطبوعات بدون هیچ‌گونه نظارتی منتشر شدند. این وضعیت تا پنجم محرم سال ۱۳۲۶ ق. که نخستین قانون مطبوعات به تصویب مجلس رسید ادامه داشت.

لازم است بدانیم که این تنها قانون مطبوعاتی است که در آن وضعیت کتاب نیز همانند مطبوعات مشخص شده است.

کودتای محمدعلی شاه بر ضد مشروطیت در جمادی‌الاول ۱۳۲۶ و بمباران مجلس، ضربه سنگینی بر آزادی‌های به دست آمده وارد آورد و دوباره سانسور وسیعی را حاکم کرد. جهانگیرخان شیرازی سردبیر «صوراسرافیل» و سلطان‌العلما سردبیر «روح‌القدس» اعدام شدند. بسیاری از مدیران روزنامه‌ها و نویسندگان مانند دهخدا و مساوات در کشورهای مختلف آواره شدند. آوارگی آنان تا پیروزی آزادیخواهان و فرار محمدعلی شاه به روسیه ادامه داشت. تا مدتی پس از پادشاهی احمدشاه نیز دولت هم‌چنان محدودیت‌هایی برای مطبوعات پدید می‌آورد. اما رونق و کیفیت کار آن‌ها که آهسته، آهسته افزایش می‌یافت.

پس از انحلال دوره دوم مجلس، دوباره دوره انحطاط و خمودی پیش آمد که با افتتاح مجلس سوم تازه‌ای در مطبوعات ایجاد شد. در دوره فترت که از انحلال دوره سوم مجلس شروع و به افتتاح دوره چهارم ختم شد و نزدیک به ده سال



دوام داشت (۱۳۳۰-۱۳۴۰ ق.). تحولات زیادی در مطبوعات پدید آمد که بعضی تاریخ‌نگاران این دوره را دوره «بلوغ جراید فارسی» دانسته‌اند.

در این دوره طی مصوبه‌ای که در ۱۸ شوال ۱۳۳۵ ق. به تصویب هیئت وزیران رسید، مقرر شد تا تصویب مقررات مربوط به تشکیل هیئت منصفه، پرونده‌ها در محکمه‌های عدلیه رسیدگی شود و در مواردی که در قانون مطبوعات تصریح نشده باشد، موافق قانون جزای عرفی حکم صادر شود که این مصوبه زمینه محدودیت‌های نوینی را پدید آورد.

انحلال مجدد مجلس در ۱۳۲۹ ق. / ۱۹۱۱ م. و به دنبال آن استقرار قوای روس در گیلان و اشغال جنوب کشور توسط انگلیسی‌ها، دوره بحران و بی‌ثباتی دیگری را پدید آورد. در این دوره نه تنها دولت مرکزی سانسور وسیعی را اعمال می‌کرد، بلکه نیروهای اشغالگر در شمال و جنوب مطبوعات محلی را تحت فشار قرار دادند و حتی موجب مهاجرت آن‌ها شدند.

منابع:

#### 1-Censure

۲- پلو تارک. حیات مردان نامی. ترجمه رضا مشایخی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱، صص ۱۶۶-۱۶۷.

۳- دهخدا، علی اکبر. لغت نامه. تهران: دانشگاه تهران (دانشکده ادبیات) و سازمان لغت نامه، ۱۳۳۹، زیر مدخل «سانسور».

۴- دایره المعارف فارسی، به سرپرستی غلامحسین مصاحب. جلد اول (تهران): فرانکلین، ۱۳۴۵، زیر مدخل «سانسور».

۵- این جلد در سلسله انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به زودی منتشر خواهد شد.

۶- قسمتی از متن کتاب در این مقاله آمده، تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان، جلد اول آقای ناصرالدین پروین جلد ۱ صص ۱۷۹، ۱۸۰ و ۱۸۱.

#### 7-Conte de Monte Farte.

۸- قسمتی از متن کتاب مفهوم سانسور آقای دکتر فریبرز خسروی در این مقاله آمده است.

۹- آینده - سال هفتم

